

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و برزنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسایل ایدئولوژیک

آزاد ل.

۰۳ اپریل ۲۰۱۴

فرید یونس میکروب جدید اسلام نو

با عرض معذرت از خوانندگان و علاقه مندان موضوعات دینی و مذهبی فقط می خواستم به عرض برسانم که نوشته آقای فرید یونس و نشر آن درین پورتال ایجاب آن را می نمود تا مدتها قبل به استقبال از نشر آن نوشته در این پورتال آزادگان به تبصره لازم بپردازم که متأسفانه نسبت مریضی مد اوم نتوانستم به وقت و زمان آن عرض ارادت نمایم اینک آنچه می خواهم بنویسم به مختصر در خدمت شما قرار می گیرد.

با کمال تعجب نوشته ای از داکتر فرید یونس ارسالی داکتر شیر زاد را در همین پورتال گرانمایگان خواندم و مشغول شدم و خوشحال! خوشحال از این که داکتر فرید یونس جرأت و شهامت این را پیدا نموده تا منحیث یک عالم دینی مدرن در این پورتال نوشته ها ویا هم اندیشه های علمی اسلامی؟؟ نوع خود را منعکس سازند. این جای خوشی است. چون من منحیث یکی از دوستداران دانش و فهم اسلامی منتظر قدم رنجه نمودن یکی از همین نخبگان کمیاب می باشم تا از اندوخته های علمی اسلامی شان آموخته و آگاهانه بروم به طرف دین اسلام !!! اما ! همچنین باید توضیح داد که گفتار تلویزیونی وی تا حال نتوانسته گره کشای صد ها مشکل اسلامی باشد و جناب شان نمی توانند و یا هم نمی خواهند به سؤالاتی که مغایر طبع ایشان است، جوابگو باشند و تحمل شنیدن صدای مخالف نظر خود را ندارند مگر این که تلیفون کننده با جملاتی مثل این که : چه دریشی قشنگی دارید . پدر تان آدم خوبی بود . واقعاً شما روشنگر اسلامی استید. ما به وجود و رهنمائی های شما ضرورت داریم . افتخار ما هستید . واقعاً عالم دین هستید. کاش مثل شما دیگران هم باشد و چند جمله چاپلوسانه به استاد و داکتر اسلامی!!!!!! گفته های خود را بدون سؤال و پرسش های بنیادی عرض ادب نماید و این همه باعث خوشحالی بی حد داکتر فرید یونس شده و با گفتن چند جمله محبت آمیز و گفتن این که (بوبویم) چنین گفت و چنان !! و خوش و بش اسلامی گلش میشکند و با تشکر و ابراز قدر دانی از تماس گیرنده بر تعداد دوستدارانش می افزاید !! امروز تعدادی از جوانان ما مخصوصاً آنهایی که در غرب زندگی دارند علاقه مند چنین اسلامی استند که آسان بوده و در امور زندگی شان هدایت سخت گیرانه نداشته باشد و به این ارتباط بهترین رهبر اسلامی همین آقای یونس است!! که می گوید: در روز امتحان روزه مگیر !!!؟؟ ضرورت داشته باشی نماز نخوان !!! رو بوسی با دوستان جنس مخالف مجاز است و این موضوعاتی است که فرید یونس را بیشتر در ذهنیت های عامه چهره (چرب و یا هم آرایش شده) اسلامی مجسم می سازد.

اما نوشتن در یکی از ارگان های نشراتی که صد ها و هزاران خواننده و پرسش گر دارد یکی از اخلاقیات انسانی

بوده، داشتن دانش و جرأت اخلاقی را ایجاب می کند که اگر داکتر یونس شخصاً مبادرت به چنین عملی نموده اند قابل قدر بوده و از ایمان شان به باور هایشان- هرچه باشد ولو خرافاتی و افسانه بی !!- نمایندگی می کند و بنده این عمل شان را تأیید می دارم !! و ممنون از گردانندگان پورتال وزین و انقلابی (افغانستان آزاد- آزاد افغانستان) که نظریات چنین فردی را منتشر و در قبال نوشته او از بعد سیاسی و علمی بر آن نظر اندازی نموده و در مجموع طرح خود شان را هم داشتند و متأسفانه در اخیر نظریه خود سؤالی را هم مطرح داشتند !! که این موضوع به احتمال قوی باعث می شود که فرید یونس فرار نموده و چیزی ننویسند. چون او و امثالش چیزی برای نوشتن ندارند و همین سؤال شاید سبب شود که آقای یونس جرأت باز گشت به پورتال را نکنند!!!!

اکثریت عالمان دین من جمله فرید یونس و ادعا کنندگان نماینده بودن الله وابسته به امپریالیسم و استعمار جهانی بوده و خواسته های آنان را به پیش می برند و آنها جرأت این را ندارند تا به نشر مفکوره های شان از طریق نشرات انترنیتی مثل پورتال آزادگان یعنی افغانستان آزاد - آزاد افغانستان پیش آیند

نمی دانم ارسال نوشته فرید یونس توسط محترم داکتر شیر زاد به پورتال نظر به خواهش و میل خود داکتر یونس بوده و یا این که داکتر شیر زاد آن را غرض نظر خواهی و تبصره بر آن به پورتال ارسال داشته اند؟؟

با وجودی که چند ملا و داکتر اسلامی برخی به غرض تفنن و اشاعه اباطیل و خرافات دینی و عده ای جهت تبلیغ افکار شان آنهم در مسایل سطحی چون خشت شماری مساجد مدینه، و تشریح عبادات ملایکه، انواع اجنات، به آسمان رفتن محمد به نام معراج، ثواب نماز در مدینه، و گاهی هم مسایل عملی از نظر خدشان دست و پاگیر مردم چون وصیت شرعی، اسقاط و زکات ... در پورتال آزادگان مطالبی می فرستند که با تأسف این ها همه همان داستان های تکراری صدها ساله است که گوش های ما را پر ساخته و به علاوه آن که ما نمی توانیم از چنان نوشته هائی چیزی بیاموزیم به جز خرافات و افسانه های گذشته و پاسخ سؤالات ما را دریافت داریم، ذات چنان نوشته هائی به صد ها سؤال دیگر را نیز باعث می گردد ؟؟؟؟ اما اگر داکتر صاحب یونس تشریف بیاورند و بنویسند آنچه را باید بنویسند !!! و تحمل پذیرش سؤالات و انتقادات دیگر اندیشان باشند جای بسا خوشحالی و تأیید شهادت شان در این زمینه خواهد بود.

اگر امکاناتی برای دوستان و خوانندگان ارجمند این پورتال موجود باشد از عالمان مشهور دینی منجمله پروفیسور اسلامی آقای ستار سیرت و امثالهم هم تقاضا نمایند تا با نوشته های **پر فیض و آموزنده** شان پیرامون اندیشه ها و باور های اسلامی در این پورتال آزادگان بنویسند و جوابگوی سؤالات دیگر اندیشان باشند .

ازین که همیشه این همه داکتران، پروفیسوران، دانشمندان اسلامی از مجرا های تبلیغاتی یک طرفه استفاده نموده و اسلام را دین برابری ؟ دین عدالت ؟ دین تعلیمی؟ و تجسم د اده اند . بدون این که به سؤالات طرف مقابل توجه داشته باشند ؟ و آنچه خوبی های عالم است بر الله، محمد و قر آن تهمت بسته و دروغ گفته اند که این گفتار و استدلال یک طرفه نمی تواند کمک کننده رشد اذهان عامه بوده و بیانگر حقیقت باورمندی های انسانی باشد ؟

از آن جائی که وظیفه عالمان دین (**طوری که خود به آن استدلال دارند**) هدایت انسان ها به راه راست و رهنمایی شان به بهشت موهوم است پس بر آنها لازم است از هر مجرای نشراتی و تبلیغاتی ممکن استفاده نموده و به روشنگری بپردازند ؟؟؟ و گمراهان را نجات و رهنمون شوند ؟ که آقای یونس باید درین مجرا خودش، افکار و تبلیغاتش را عیار سازد . متأسفانه آقای یونس فقط دوست دارند در نشریه ها و سایت های شورای نظاری و همچنان هفته نامه امید و گفتار غیرمسئولانه و چرندیاتی به نام اسلام نو از مجرای «تلویزیون نور» پر گویی داشته دیگر چیزی را به مردم پیشکش نداشته اند بلکه با دلایلی که فهم آن نمی تواند مجهول باشد بدون دانش اسلامی و پی بردن به محتویات آنچه قرآن و احادیث می گوید بیکه تاز رفتند به بالای منبر و فوق منبر ؟؟ و با گذاشتن پای روی اولین پله زینه رسیدند به آخرین مکان!!!! به مفهوم این که ایشان وظیفه یافته اند و یا الهام شده و یا ؟؟؟؟ به هر صورت ایشان لازم دیده (**یا هم**

باداران و هدایت کنندگان شان امر نموده اند) تا منحيث رهنما و رهبر اسلامي و اشاعه دهنده باور هاي اسلامي بدون دانش حد اقل از آن خود را در جامعه مخصوصاً در بين جوانان ما كه خارج از كشور زندگي دارند تبارز داده و من حيث يك دانشمند اسلامي با فهم همه جانبه و تسلط كامل بر تمام موضوعات ديني به شكل مدرن آن مطرح سازند. تا درمهره شاني در دولت هاي دست نشانده آینده، انتخاب خوبي باشند!!؟ من با اين نوع عملکرد هاي سوالی ندارم چون می دانم از کدام منبع؟ چرا؟ و چگونه؟ و چه کسی؟ در اين راه منتصب و آماده رهنمائی می شود؟ فابریکه عالم دين سازي توسط استعمار هنوز هم فعال است!! اما مشكل و سؤال من اين است كه: کسی كه چنین ادعائی می كند؟ و چنین راهی را می پیماید حد اقل بايد از فهم و شعور سياسي و اجتماعي كمی بهره مند باشد تا بتواند اين كاروان خرافات را با استفاده از خوش باوري هاي خلق شريف ما اندكي به جلو ببرد؟؟ كه متأسفانه چنین استعدادی در ایشان موجود نیست؟ و يا هم اين كه از درك من بالا تر بوده است؟؟

در زمانه هاي نه چندان دور آدمك بي حياء، پررو، كستاخ، بيشرم و بي وجداني در اروپا داد و فریاد هاي روشنگري و روشنگري را از آدرس اندیشه هاي چپ در ضدیت با رژيم دست نشانده كابل به راه انداخت تا اين كه استعمار جهاني به نعره كشييد اين توله سگ پست (رنكين اسپنتا) توجه نموده و توسط خليلزاد با خوراندن زباله و كثافات مقامي در ردیف و طنفروشان برایش داده و خاموش ساخت و از آن تاريخ به بعد فعالیت او در جهت مخالف آنچه ادعا می كرد ادامه یافت.

تا جائي كه من می دانم: آقای فرید یونس یکی از شارلتان هاي اسلامي است كه خیلی ها هم بازرنگي و جسارت وارد معرکه شده است. حال كه چرا جناب شان یکی و يك بار عالم دين شده و با مهارت كامل به هر طرف مركب خرافاتش را می راند و هم اين كه فرید یونس و امثالهم از چه قماشى بوده اند و هستند؟ چه پس منظري تاريك و سپاهي دارند؟ و واضح است (به زندگي خصوصي اش كاري ندارم) فقط با مختصر جمع بندی باورمندی هاي كه سازنده شخصیت و ایسته شان می باشد می توان تمثیلی از او داشته باشیم.

با در نظر داشت اين كه مهره هاي استعماري به نوبت به قدرت دولتي كشور مستعمره ما منتصب می شوند شاید فرید یونس خواسته است با چنین تمثیلی توجه باداران را هم به خود مثلی كه به دادر توجه كردند جلب نماید تا او هم منحيث يك دانشمند اسلامي و چیز فهم در یکی از چوكي هاي گردانندگي سياسي و اسلامي كشور نشانده شده سهمي در زهر پاشي بر عقاید پاک مردم و مسموم ساختن ذهنیت شان داشته و بر گرده هاي مردم ما به شكل مقدس آن لگد زده و ازین راه خدمتی به باداران خود نموده و مغز هاي مسموم شده خرافات ديني آنها را بیشتر كرخت سازد.

اين كه چرا ایشان ملا شده و از ملاگری خوشش شان می آید؟ چه نفعی برای شان دارد؟ چه تضمین هائی در مقابل او قرار گرفته است؟؟ تا از آدمی مثل او يك د اكثر، يك عالم دين خلاصه آدمي جامع الكمالات به جامعه ما تقديم شود؟؟ بايد باور مندی هاي او را در مجموع و عملکرد اجتماعي و سياسي اش را در ارتباط با مردم و جامعه بررسی نمود

آقای یونس از جمله اشخاصی است كه خیلی دوست دارد مردم از او توصیف كنند. از دانش او بارها در مجالس ياددهانی نمایند و در جا و هر محفل صحبت از او، از دانش او، از فهم و استدلال او، از شوخي هاي او و خلاصه از روشنگري هاي اسلامي او در چوكات بينش جديد ممثل يك نابغه اسلامي باشد!!! جناب شان خیلی دوست دارند در محافل ختنه و عقد نكاح جوانان مدرن به شكل اسلامي اشتراك ورزند. با خانم ها و دو شيزگان دم بخت!! شوخي هاي اسلامي نمایند و اسلام را طوري تفسير دارند كه مطابق سلیقه شونده باشد! نه آنچه اسلام بوده و است.

آقای یونس یکی از زرنگترین، چاپلوس ترین و خابن ترین شخص اسلام نما در تاريخ معاصر كشور می باشد اين كه ایشان در چه رشته ای تخصص دارند نمی دانم اما از معلومات ارائه شده دوستان چنین برداشت می شود كه جناب

ایشان کاغذی به نام سند داکترا دارند ! پس چون دکترا دارند حق دارند عالم دین هم باشند !! و هر چه در دل تنک شان است بیرون دهند !! (خود شان بار ها در نمایش تلویزیونی خود گفته اند که : برای عالم دین اسلام شدن ضرورت فهمیدن لسان عربی و اساسات دینی که قبلاً گفته شده نیست !!؟؟) (دین اسلام را از نو باید شناخت !!؟؟ و بر همه تفسیر ها !! برهان ها و عقاید پیشوایان اسلامی و حتی آیات قرآنی از دید نو باید نظر انداخت !!؟؟ نه شناخت و طرح های قرن ششم میلادی ؟؟؟)

در بر خورد با اندیشه ها و باورمندی های جناب شان که مطلقاً شکل ارتجاعی، خابنانه و تعمیل خرافات به شکل روشنگرانه آن بر اذهان مردم خوش باور ما می باشد نمی توان تحمل و صبر نموده و بی تفاوت بودو یا هم به به گفت ؟؟؟

بر همه انسان های بادرک و انسان دوست و انقلابی لازم است تا چنین نظریات و مفکوره های پوسیده را به هر شکلی که تظاهر نماید ولو به شکل مدرن و متجدد بیرون داده شود نا دیده نگرفته و در قبال آن بی تفاوتی اختیار نکنند !!؟؟

چون همین نوع اشخاص اند که با طرح های خائنانه در چوکات های مقدس باعث گمراهی مردم شده و به نفع استعمار عمل و مردم را به خرافات مبتلا و مغز انسانها را بی حس می سازند تا مردم به سوی خرافات (روشن) گشائیده شوند. آقای یونس طوری که از نوشته های شان در سایت های مختلف شورای نظاری به نشر رسیده است معلوم می شود، در همکاری مستقیم قوی کوشان، روان فر هادی، احراری، داکتر حقشناس، ویس ناصری و..... در وابستگی خاص به آیت الله های جمهوری اسلامی ایران قرار داشته و سعی دارند از اسلام یک چهره روشن، تابناک، عادل، قانونمند به نمایش بگذارند و نظر به ادعای خود شان کتاب (کیمیای سعادت) نوشته غزالی رهنمای شان بوده و حل کننده تمام مشکلات (او) بوده است. و همچنان احادیثی که آقای احراری از مجموع احادیث مسلم و صحیح بخاری بیرون نویس نموده است (**اگر به طبع و سلیقه شان برابر باشد**) صحت داشته در غیر آن همه احادیث هم غلط می باشد.

با در نظر داشت محتوای نوشته ها و گفتار و ادا ها و اطوار تلویزیونی او می توان بر داشت نسبی از او داشت. مثلاً در اسلام طرح شده او!! از دید سیاسی : او خواهان **دموکراسی اسلامی** است ؟؟ یعنی در چوکات دولت اسلامی دموکراسی را می توان سراع نمود که حقوق تمام مردم مخصوصاً زنها با مرد ها مساوی است ؟؟ (**و این کاملاً یک اسلام نو است**)؟؟

جناب شان بار ها در برنامه تلویزیونی خود تکرار نموده اند که دموکراسی : یعنی **(بی ناموسی)** و این که ایشان می نویسند دموکراسی اسلامی !! چنین معنی می دهد: یعنی بی ناموسی اسلامی !!؟؟

ایشان در یک نشریه شورای نظاری چنین می نویسند:

اگر تعریف درست دموکراسی را مطرح کنیم این است که (حکومت مردم برای مردم) ما این نظام را با ارزش های والای اسلامی یکی می کنیم (**اما نمی گویند که : کدام ارزش ها ؟؟؟**) و به جای دموکراسی صیہونیستی یا سرمایه داری و یا کمونیستی **دموکراسی اسلامی** نام می گذاریم (**شباهت به طرح میوند وال دارد**) تا بتوانیم عدالت را بدون تبعیض نژادی، مذهبی و یا قومی شامل حال همه سازیم زیرا اساس کار یک دولت اسلامی عدالت برای همه مخلوق خداوند است، مسلمان و غیر مسلمان!

درین نوع دموکراسی !؟ چون خداوند خدای همه است یعنی رب العالمین است پس عدالت آن ذات اقدس الهی باید شامل حال همه مسلمان و غیر مسلمان باشد. پس در نظام دموکراسی اسلامی هیچ مردی به زنی و هیچ زنی بر مردی، هیچ قومی بر قومی دیگر و هیچ مذهبی بر مذهب دیگر برتری ندارد و همه در مقابل قانون حقوق مساوی خواهند داشت (**خواننده عزیز تعجب نکنید ازین که یونس چنین چیزی می نویسد . این شعر فقط برای گمراه نمودن و اغفال مردم توسط استعمارمدتها قبل در چوکات بندی اندیشه های سید قطب، محمد قطب، حسن البنا و در این اواخر توسط داکتر شریعتی**

وبه این ارتباط جناب شان چنین توضیح میدهند:

«دلیل عمده تعصب، زن ستیزی، و غیر مدنی بودن کشور تنها به خاطر سطح رهبری بی‌کفایت نیست بلکه به خاطر تفسیر نادرست قرآن مجید، نقل قول احادیث جعلی و ملای نادان است که سر تا سر کشور را فرا گرفته است. چنانچه یک ملای نادان در کابل فتوا داده که نوروز بدعت است و تجلیل ازین روز گناه است..... فرهنگ ستیزی و زن ستیزی در افغانستان در اثر شیوع مرض وهابیت است..... پیشنهاد می‌شود تا یک هیأت با صلاحیت قرآن مجید را نظر به **صوابدید جهان امروز تفسیر کند** و یک کمیسیون دیگر احادیث جعلی را که به عدالت اسلامی و یا شخصیت والای پیامبر کریم و یا با اصل قرآن سر نمی‌خورد بیرون کنند..... تحقیقات استاد بشیر احمد انصاری که در ایالت تکساس در یک دانشگاه تدریس می‌کند نشان می‌دهد که حضرت بی بی عایشه (رض) بین سنین ۱۶ الی ۱۹ بوده که ازدواج کرده است نه ۹ ساله. (اما تفسیر او را که مطابق میلش نیست قبول ندارد)؟؟ میلیون ها دختر خرد سال به خاطر همین گزارش هائی که به اساس تحقیقات علمی نیست بدبخت شده اند و وکیل او، او را با مردی که سی و پنج ساله و بالاتر بوده عقد کرده اند. جهان، جهان علم و تحقیقات است و ما باید در سایه علم عمل کنیم.(یعنی اسلام شان علمی است) این یک ریسک سیاسی دیگر است که به خاطر عدالت در نظر گرفته شود..... امروز جهان، جهان دست بردن و سر بردن و روغن داغ کردن و سنگسار مردم نیست.(**قوانین اسلام ناب محمدی از دیدشان قابلیت پذیرش را ندارد؟؟**) احکام نظر به زمان تغییر می خورد، (**آیا احکام قرآن هم باید تغییر بخورد؟؟** و این به این معنی است که احکام الهی پر است از اشتباهاتی که الله و یا محمد مرتکب شده است)؟؟ پس ما باید قوانین جزائی جدید را طرح ریزی کنیم که بر موازین جامعه امروز باشد. (**نه هدایت قرآن**)؟؟ برای آنانی که مرتکب لت و کوب کردن زنان می‌شوند جزای سنگین داده شود. آنانی که مرتکب بچه بازی می‌شوند جزای سنگین تعیین شود و آنانی که به ناحق مردم را می‌کشند باید کشته شوند. در کنار این موضوعات قضائی مردم باید آموزش ببینند و مردم باید از قانون باخبر باشند. دین اسلام دین زور و تحمیل نیست (**عجب؟؟**) و اما دین آموزش و پرورش است. ما باید روح جامعه خود را دوباره احیاء کنیم..... نظام را از اتوکراسی نجات داده به صوب دموکراسی اسلامی که در آن (**مثل جمهوریت اسلامی ایران!!؟؟**) برابری، مساوات، برادری و عدالت اجتماعی است، سوق دهیم»

پرداختن و تشریحات و استدلال در مقابل این همه چرندیات فرید یونس کمی وقت می خواهد تا هر جمله و طرح او را ریشه یابی نموده، به بررسی گرفت و اصل موضوع را خلاف آنچه او می گوید به اثبات رسانید. من عجالتاً ازین موضوع منصرف شدم مگر این که هموطنی! ارجمندی، خواننده ای و یا هم عالم دین و یا هم شخصاً فرید یونس خواهان معلومات بیشتر در رد و تکذیب این همه بهتان هائی که او به اسلام نموده است باشند! آنوقت مفصلاً صحبت خواهیم نمود. امید وارم شخصی با دانشی (**چه داکتر داشته باشد یا نه**) منحیث عالم دین با من هم صحبت شود.

فرید یونس همچنین ادامه می دهد:

«یک نفر که در گذشته اشتباه کرده است دیگران همان اشتباه را تکرار کرده‌اند و این در قسمت "ترجمه" و تفسیر اتفاق افتاده است.....قرآن کریم از جمله آثار کلاسیک به شمار می رود. وقتی که ما قرآن را از نگاه این علم مطالعه می‌کنیم اشتباهات زیاد به نظر می خورد و همین اشتباهات باعث گمراهی مردم شده است.

قرآن که کلام خداوند است ترجمه نمی‌شود بل تفسیر می شود. این یک اشتباه دیگر است که همه چنین تصور می کنند که قرآن ترجمه می شود. درست است که قرآن به زبان عربی است و قرآن خود می‌گوید که قرآن به زبان عربی نازل شده است تا مردم پند پذیر شوند. اما اگر ما بگوئیم ترجمه قرآن، چنین معنی می دهد که یعنی زبان خداوند با زبان انسان یکی است در حالی که خداوند انسان نیست و هیچ گونه شباهت به انسان ندارد. کلام خداوند تفسیر می‌شود نه این که

ترجمه شود خداوند چه لایتناهی است.

قرآن باید مطابق شرایط زمان و مکان تفسیر شود (**تفکر جدید تزیق شده استعماری**) تا بدین وسیله اشتباهات گذشته (**کدام اشتباهات؟؟ اشتباهات قرآنی را یا تفسیری را**)؟ را اصلاح کنیم و شرایط زمان و مکان را مد نظر بگیریم. متأسفانه جناب سیرت نه قادر شده است که اشتباهات گذشته را اصلاح کند و نه قادر است تا یک تفسیر جدید که در آن مسایل ساینس امروز در رابطه به قرآن، حقوق بشر و تحقیقات دامنه دار در همه علوم طبیعی باشد به فارسی زبانان عرضه کند. تفسیر جناب سیرت جزئی ترین تفاوت با تفسیر کابلی که اشتباهات زیاد دارد، ندارد. (**این آقای یونس مثل این که عالم عالمان استند**)؟؟ زیرا استادان گرامی به تفسیر و تأویل قرآن نظر به زمان و ارتباط قرآن به مسایل روز اعتقاد ندارند. چنانچه استاد سیرت در یک برنامه تلویزیونی گفت که نکاح چهار ساله جایز است و اما شرایط دارد. استاد احراری در نامه ای که به من نوشته است تذکر داده که اعتقاد ندارد که زنان و مردان از نگاه مدنی با هم مساوی هستند (**آنها اسلام را نمی فهمند**)؟ در حالی که علم آموختن یک موضوع مدنی است و پیشوای اسلام فرموده است، ” آموختن علم برای مرد و زن مسلمان فرض است“. می‌رویم به یکی دو مثال دیگر در باره «ترجمه» جناب سیرت. جناب شان چون از علم فیلولوژی کار نگرفته اند در تفسیری که در بالا به آن اشاره شد، آن را اصلاح نکرده اند و همان اشتباه پیشینیان را تکرار کرده‌اند که خداوند فراموش کار است. انتقاد بنده در صرف و نحو استفاده لغت نیست بل در مفهوم لغت به اساس و استناد ذات و صفات خداوند است که خداوند فراموشکار نیست.

آقای سیرت مانند گذشتگان «اضربوهن» را زدن تفسیر کرده‌اند که این موضوع در رابطه به زن و شوهر است که اگر زن مطیع نبود با او صحبت شود و اگر اصلاح نشد، بستر جدا شود و اگر باز هم اصلاح نشد باید او را زد. (سوره نساء آیت ۳۴) این تفسیر نشان می‌دهد که العیاذ بالله خداوند نه تنها عادل نیست در عین زمان خداوند دهشت را در خانواده حکم کرده است. درین جا هم لغت از زبان عربی مردم «ترجمه» شده نه این که مفهوم آن بر اساس عدالت خداوندی مطرح شده باشد که در اصل «جدا شدن» معنی می‌دهد نه زدن. (**اینجاست که باید به فرید نویس تبریک گفت چون جناب شان زبان الله را که غیر عربی است می‌فهمند و چنین توضیح می‌دهند که (اضربوهن) معنی زدن را ندارد البته به عربی چرا!! اما به لسان خداوند معنی اضربوهن = جدا شدن؟؟؟؟**)

جناب استاد سیرت هم مانند استاد احراری به تساوی مدنی بین زن و مرد اعتقاد ندارد. نه تنها که این موضوع را در تلویزیون بیان کرده که زن و مرد نمیتواند از نگاه مدنی مساوی باشد در تفسیر هم بر ملا ساخته که اگر زن اطاعت نکرد او را بزنیید. آیا عدالت خداوندی همین است؟

جناب استاد سیرت و استاد احراری به تحقیقات جدید دانشمندان در علوم مختلف اعتقاد ندارند. (**چون آنها به زبان عربی تسلط دارند نه به لسان الله**) تحقیقات دامنه دار در بابت سن بیبی عایشه در زمان ازدواج با پیشوای اسلام توسط دانشمندان افغان و غیر افغان صورت گرفته و نتیجه‌گیری شده که بیبی عایشه (رض) بین شانزده و نوزده بوده که ازدواج کرده است بارها گفته‌ام و باز تکرار می‌کنم که یکی از دلایل پسمانی مسلمانان مخصوصاً زن سنیزی بین مسلمانان تفسیر نادرست قرآن و استفاده احادیث جعلی است که باعث بد بختی های ما شده است (**و به همین ملحوظ جناب شان قرآن را از نو به سلیقه خود تفسیر میکنند!!**)؟

اما کلاً در تشریح مطالب اسلام نو او چیزی به درد بخوری به مردم ارائه نمی‌دهد به جز این که: فقط اسلام است که می‌تواند حقوق مرد و زن را مساوی دارد؟؟ و تنها دولتی که می‌تواند و باید حاکم بر سر نوشت نه تنها ملت افغانستان بلکه تمام ملل جهان باشد همین اسلام است و بس!!!؟؟

آقای یونس با این که عربی را بلد نیست فارسی را هم با تأسف خوب نمی‌داند.

به گمراهی فکری و عقیدتی نسل جوان مخصوصاً آنهایی که در خارج از کشور زندگی دارند به نفع استعمار ساعی

بوده و اسلام نو و جدیدی رامی خواهند عرضه دارند.

و این شخص چنان دیده دراست که می خواهد آنچه استعمار، زورگو، مرتجع و می خواهد و توقع دارد از اسلام چنان چیزی بسازد و تفسیر از قرآن داشته باشد که کاملاً فریبنده، اغوا کننده و خلاف آنچه محمد در قرآن نوشته باشد!!؟؟ تفسیری باشد که امریکا، انگلیس بر آن تفسیر صحه بگذارند و تأییدش کنند

او که این همه اعتراض علیه تفسیر قرآن، فتوا های عالمان دین و نظریات همه عالمان به اصطلاح دینی را دارد نه برای این است که او عالم تر! با دانش تر! فهیده تر از دیگران است؟! بلکه او با رد نمودن همه آنها فقط می خواهد ماهیت اسلام را از انظار پوشانیده و از آن یک نوع دین جدید و نو و همه پسند ترسیم دارد تا قابل پذیرش استعمار جهانی قرار گیرد. چون استعمار و امپریالیسم جهانی می خواهد همه مردم دنیا دینی و مذهبی (عیسوی) باشند! اگر نشد باید حتما پیرو یکی از ادیان و مذاهب باشند و به همین ملحوظ گاه گاهی آدم های مثل شریعتی و فرید یونس از کار خانه ملا سازی استعمار بیرون می شوند.

این بود فشرده نظریات آقای یونس پیرامون بعضی موضوعات اسلامی که باید پیروان ایشان و یا هم عالم دینی از قماش او به تشریح آنها پردازند و روشن سازند که آقای فرید یونس از چه قماشی بوده و چه نوع توضیحی از قرآن دارد؟؟